

بیانات رهبر انقلاب در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر تحصیلی

۲۷ مهر ماه ۱۴۰۱

- ۱) شروع کلام با نام و حمد خداوند و صلوات و سلام بر حضرت محمد ﷺ و اهل بیت (علیهم‌السلام) بویژه حضرت بقیه الله (عجل‌الله‌فرجه) (۱)
- ۲) **خدای متعال را جداً جداً سپاسگزارم** که الحمدلله بعد از سبک شدن این مشکل کرونا، بار دیگر این جلسه‌ی شاداب و زنده و امیدبخش تشکیل شد.
- ۳) حقیقتاً **حضور شما جوانها**، بخصوص جوانان نخبه که شما هستید، **خلاق امید** است؛ یعنی اصلاً حضور شما در هر جا که باشید، امید را به وجود می‌آورد، خلق میکند.^۱
- ۴) بسیار مطالب خوبی گفته شد، یعنی جداً من استفاده کردم و به نظرم میرسد که پیشنهادهایی که داده شد درست است و غالباً هم عملی است؛ و از اینجا انسان این حقیقت را بیشتر درک میکند که بسیاری از مشکلات ما در این سالهای گذشته، **مشکلات مدیریتی بوده؛ راهکار وجود داشته**، [اما] مدیریتهای به آن راهکار نپرداختند.^۲

• نخبه

- ۵) **نخبه یکی از مهم‌ترین ثروتهای انسانی کشور است.**^۳
- ۶) وقتی آن را ثروت عظیمی دانستیم، در تولیدش تلاش میکنیم، از دست دادنش را خسارت می‌شمریم، و حتی المقدور مانع میشویم از اینکه این از دست برود و **با او رفتار کریمانه خواهیم داشت.**
- ۷) **یک رکن مهم پیشرفت کشور، دانشگاه** و در دانشگاه هم عمدتاً نخبگان علمی هستند.
- ۸) **دانشگاه برای پیشرفت کشور حیاتی است.** هر چه دانشگاه را بتوانند لنگ کنند، تعطیل کنند^۴، خراب کنند، ناقص کنند، برای دشمنان کشور و [دشمنان] پیشرفت کشور مغتنم است.
- ۹) **دانشگاه یکی از بزرگ‌ترین موانع در مقابل سلطه‌ی استکبار است؛** ما باید این را بدانیم. هدف قدرتهای گردن کلفت جهانی سلطه است؛ یک روز با اسلحه، یک روز با فریب، یک روز با علم.
- ۱۰) **با علم هم سلطه پیدا میکنند.** دانشگاه جلوی سلطه را میگیرد؛ یعنی شما اگر چنانچه توانستید سطح علم کشور را بالا بیاورید، در مقابل سلطه‌ی دشمن یک مانع ایجاد کرده‌اید.

۱ برای همین هم هست که کسانی که با پیشرفت کشور موافق نیستند، با حضور شماها در آن جایی که باید حاضر باشید، موافق نیستند.

۲ حالا امیدواریم که این دولت فعلی ان‌شاءالله با جدیت دنبال کند، که نشانه‌هایش دارد دیده میشود.

۳ منابع طبیعی کشور مهم است، جایگاه‌های جغرافیایی مهم است، شکل اقلیمی مهم است، اینها همه مهم است، اما یکی از مهم‌ترین‌ها وجود نخبه است.

۴ اینکه شما می‌بینید در مقاطع مختلف، نه فقط حالا دیروز و پریروز، تلاش شده که دانشگاه‌ها تعطیل بشود، کلاس‌ها تعطیل بشود، بچه‌ها سر کلاس نروند، استاد نرود و از این کارها، ناشی از این است؛ چون دانشگاه نقش اساسی دارد.

۱۱) عناصر مهم در ایجاد نخبه:

- ۱) یک عنصر، استعداد طبیعی او است؛ فکر خوب، ذهن خوب، مغز خوب، که این عطیۀ الهی است.
- ۲) عنصر دوم، همت و تلاش او است، کار خود او است؛ و آلاً خیلی‌ها هستند همین عطیۀ خدادادی را دارند، [اما] کار نمیکنند، به جایی نمیرسند؛ نه خودشان رشد میکنند، نه به کشور کمکی میکنند. کم نداشته‌ایم از این قبیل.
- ۳) اما عنصر سوم عبارت است از هدایت و توفیق الهی. بدون تردید برای اینکه شما نخبه بشوید و نخبه شمرده بشوید، احتیاج دارید به توفیق الهی و به هدایت الهی. صرف اینکه کسی استعداد داشته باشد و این استعداد را به کار ببرد، آدم را نخبه نمیکند.^۵

۱۲) شما جوانان عزیز خوشبختانه دلهایتان آلوده نیست؛ شماها جوانید، جوان ممکن است تخلفاتی داشته باشد اما دلتان پاک است، ضمیرتان ضمیر روشنی است، از این هدایت الهی خیلی میتوانید برخوردار باشید. پس [باید] بتوانید نخبه‌ی به معنای واقعی کلمه بشوید.^۶

• به چه کسی نخبه می‌گویند؟

- ۱۳) آن کسی که از دانش سوء استفاده میکند، نخبه نیست. آن کسی که در دانش فیزیک نابغه میشود و بمب اتم درست میکند، از دانش شیمی استفاده میکند، گاز خردل و گازهای شیمیایی درست میکند؛ آن کسی که با پیشرفت در ریاضیات و مثلاً مهندسی‌های پیشرفته میتواند فضا را تصرف کند^۷ این نخبه نیست.
- در دوران استعمار، غربی‌ها خب زودتر از دیگران توانستند به سلاح دست پیدا کنند؛ خب با این سلاح پیشرفته اینها آمدند کشورها را قبضه کردند.^۸ کشور انگلیس ثروتمند نبود، فرانسه ثروتمند نبود، کشورهای اروپایی ثروتمند نبودند؛ اینها ثروت کشورهای دیگر را گرفتند.^۹
 - ذهنهای خلاق داشتند، تلاش هم خیلی کردند؛ اهل خطرپذیری بودند؛ اینها خصوصیات خوب اروپایی‌ها است اما از این خصوصیات چه استفاده‌ای کردند؟ ایجاد نظام سلطه در عالم.

۵ ممکن است یک آدم بسیار باهوشی این هوش را برای اختلاس به کار ببرد! یا برای دزدی؛ این نخبه است؟ نه، این دزد است؛ این اختلاسگر است؛ این نخبه نیست. نخبه یعنی برگزیده و ممتاز. نخبه آن کسی است که این حرکت را با توفیق الهی دنبال کند و با هدایت الهی پیش برود.

۶ یعنی دارای استعداد، دارای تلاش و برخوردار از هدایت و توفیق الهی که البته «وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ»؛ ایمان، هدایت را به دنبال خودش می‌آورد.

۷ هم فضای خیلی بالا را، هم فضای زندگی مردم را؛ یعنی شما داخل خانه‌تان هم که دارید حرف میزنید، خاطراتان جمع نیست که یک گوش بیگانه‌ای دارد حرف شما را می‌شنود؛ نه فقط گوشی همراه، نه، طُرق دیگر هم وجود دارد.

۸ هندوستان یک کشور با آن عظمت را، با ده‌ها برابر سطح جغرافیایی جزیره‌ی انگلیس — [البته] هند و پاکستان و بنگلادش امروز، [یعنی] شبه قاره‌ی هند را — آمدند تصرف کردند، کشورهای حول و حوش را هم تصرف کردند، صنایع ملی این کشورها را از بین بردند. شما این کتاب نگاهی به تاریخ جهان نهره را بخوانید. متأسفانه شماها کتاب کم میخوانید؛ او شرح داده کیفیت ورود انگلیس‌ها را به هند و اینکه در هند چه کار کردند.

۹ من اخیراً یک کتابی دیدم که یکی از همین نویسندگان خودمان نوشته، به نام سرگذشت/استعمار؛ پانزده شانزده جلد کتاب ۱۵۰ صفحه‌ای، ۱۲۰ صفحه‌ای است؛ تشریح میکند که استعمار چگونه در قاره‌ی آمریکا و در قاره‌ی آسیا توانست ثروتهای اینها را از بین ببرد و خودش را ثروتمند کند.

• یکی از بلاهای بزرگ امروز دنیا که هنوز تمام نشده و ان شاء الله تمام خواهد شد، نظام سلطه است.^{۱۰} **این نظام سلطه را پیشرفت علمی اروپا به وجود آورد.** پس نخبه به عنوان یک توصیف ارزشی شامل اینها نمیشود.

۱۴) **نخبه** به عنوان یک توصیف ارزشی، آن **انسان صاحب استعداد پُرکار پُر تلاشی است که از هدایت الهی بهره گرفته باشد؛** گاهی هم خودش نمیداند که این هدایت الهی است. این آنات و لحظات شگفت‌آوری که مکتشفین بزرگ عالم در آن لحظات به یک حقیقتی دست پیدا کردند، اینها همان هدایت الهی است.

۱۵) یک عامل مهم برای بُروز آن استعداد ذاتی نخبه و فرصت تلاش، **زمینه‌ی تلاش نخبه** است؛ این خیلی مهم است. گاهی نخبه‌ای هست، آمادگی کار هم دارد اما زمینه برایش فراهم نمیشود.

• **زمینه در دوران طاغوت وجود نداشت؛** اگر هم بود، خیلی جزو سیاستهای رسمی طاغوت نبود؛ زمینه وجود نداشت.^{۱۱}

• به برکت انقلاب اسلامی زمینه فراهم شد. این را من با صراحت و با جرئت میگویم، یعنی یک چیزی است که قابل تشکیک نیست، **با انقلاب اسلامی زمینه برای نخبه‌پروری فراهم شد.**^{۱۲}

۱۶) **انقلاب اسلامی زمینه ساز نخبه پروری :**

۱) **اولاً توسعه‌ی دانشگاه‌ها؛** همه جای کشور دانشگاه هست. دانشگاه‌های بعضی از شهرهای دوردست دانشگاه‌های برجسته‌ای هستند؛ اساتید برجسته، ممتاز در دانشگاه فلان شهر دوردست [هستند].

۲) **گسترش دامنه‌ی دانشگاهی؛** چه دانشجو، چه استاد. دانشجویان کشور حدود ۲۵ برابر^{۱۳}، رشد پیدا کرده‌اند.

۳) **استاد؛** سالهای اول انقلاب حدود پنج هزار هیئت علمی در کشور بود؛ الان بیش از صد هزار است؛ جمعیت کشور بیش از دو برابر شده اما این، بیست برابر شده؛ این آمارها خیلی زبان‌دار است، خیلی گویا است.

• البته باید تشکر کنیم از خود دانشگاهی‌ها؛ **دانشگاهی‌های ما نگذاشتند که ما محتاج غربی‌ها بمانیم.**

چون وقتی که یک کشوری دانشگاه دارد [ولی] استاد ندارد، یکی از چیزهایی که به ذهن میرسد این است

که خب برویم از بیرون استاد بیاوریم؛ [لکن] **دانشگاهی‌های ما اجازه ندادند؛ استاد تربیت کردند.**^{۱۴}

۴) **انبوه پژوهشگاه‌هایی** که در کشور هستند؛ اندیشکده، پژوهشکده، پژوهشگاه. فراوان در خیلی جاهای کشور اینها هستند. این توسعه‌ی علم در کشور خیلی چیز باارزشی است.

۱۰ نظام سلطه یعنی دنیا تقسیم بشود به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ یک عده‌ای حتماً بایستی قدرتمندانه بر همه‌ی دنیا حکمرانی کنند، کشورهای دیگری هم بایستی زیر پوشش‌های مختلف از اینها اطاعت کنند؛ این نظام سلطه است.

۱۱ خیلی‌ها بودند دارای استعدادهای خوب، آماده‌ی تلاش هم بودند، تلاش هم میکردند، [اما] توی سرشان میزدند؛ نه فقط زمینه برایشان فراهم نمیشد بلکه حتی ضد کار هم برای آنها به کار میرفت.

۱۲ من چون از اول انقلاب در مجموعه‌ی دانشجویی و دانشگاهی و دانشگاه تهران و دانشگاه‌های دیگر حضور داشتم، با استاد و با دانشجو و مانند اینها دائم نشست و برخاست داشتم، با همه‌ی اعتقاد و با قابلیت اثبات این را عرض میکنم.

۱۳ حالا من این آمار را مکرر گفته‌ام، اما الان دقیق یادم نیست؛ یادداشت که برمیداشتم منابع در اختیارم نبود

۱۴ الان شاید صدی نود استادهای امروز، نسلشان تربیت‌شده‌های اساتید دانشگاه خودمان هستند؛ کار کردند، تلاش کردند. خب جمهوری اسلامی دانشگاه را گسترش یافته و توانا میخواست، و این بحمدالله انجام گرفت، دانشگاه هم از این فرصت تاریخی استفاده کرد و خودش را توسعه داد.

• **نخبگان دانشگاهی ما مایهی آبروی ایران**

۱۷) یک مطلب هم این است که بدون مبالغه باید بگوییم نخبگان دانشگاهی ما مایهی آبروی ایران شدند.^{۱۵} حالا من چند نمونه‌اش را اینجا بگویم:

۱) تحقیقات و دستاوردهای پژوهشگاه رویان، نه فقط در مسئله‌ی سلول‌های بنیادی، که در شبیه‌سازی حیوان زنده، در دنیا یک چیز کمیابی بود؛ این اتفاق افتاد.^{۱۶}

۲) پیشرفت در بیوشیمی و دست یافتن به کرسی یونسکو در این رشته؛ [خودشان] اعتراف کردند.^{۱۷}

۳) انتقال ماهواره به فضا است؛ همه‌ی کشورها این را ندارند. خیلی‌ها ماهواره در فضا دارند، ولی [ولی] مال خودشان نیست، آنهایی که خودشان پرتاب میکنند، تعداد معدودی کشورند. ما البته عقبیم اما پرتاب کردیم.

۴) ساخت ربات‌های انسان‌نما در دانشگاه تهران؛ مهم است.

۵) دستاوردهای بنیادین در صنعت هسته‌ای. ما دنبال سلاح و بمب و مانند اینها نمیرویم اما خود این صنعت خیلی برکات دارد؛ ما توانستیم [به آن] دست پیدا کنیم.^{۱۸} نخبه‌ی ایرانی با قدرت، با امید انجام داد.

۶) ساخت تجهیزات پیشرفته‌ی موشکی و پهپادی که چند سال پیش از این میگفتند که اینها فتوشاپ است! حالا میگویند که پهپادهای ایرانی خیلی خطرناک است! چرا به فلان کس میفروشید، به فلان کس میدهید.

۷) ساخت واکنش‌های پیچیده، بخصوص واکنش کرونا.

۱۸) نخبه‌ی ایرانی توانسته به کشور آبرو بدهد؛ من اینها را میگویم برای اینکه شما که نخبه‌اید، قدر خودتان را بدانید، آنهایی هم که بیرون نشسته‌اند، قدر شما را بدانند؛ حالا بنده که خیلی قدر شما را میدانم؛ خدا کند بتوانیم کمکی به شما کنیم.

• **انتظارات از نخبگان**

۱۹) ما از شما انتظاراتی هم داریم:

۱) اولین انتظار این است که بایستی نخبه این توانایی شخصی را تبدیل کند به توانایی ملی؛ یعنی این توانایی را در خدمت حل مسائل کشور قرار بدهد.

۱۵) نخبگان زیادی در این چهل سال وجود داشتند؛ آبرو دادند به کشور. در هر مسئله‌ای که دانشمندان ما ورود کردند و متمرکز شدند، کاری کردند که در محافل علمی جهان مورد تحسین واقع شد.

۱۶) آن حیوان زنده را خود من دیدم؛ این نقل نیست، بنده رفتم از نزدیک آن حیوان زنده‌ی تولیدشده را [دیدم]. یکی هم نبود چند تا بودند؛ این خب کار کوچکی نبود. رحمت خدا بر کاظمی آشتیانی که این پایه را او گذاشت و بعد هم این برادرانی که الان هستند دنبال کردند، به اینجا رسیدند

۱۷) شما میدانید در این کرسی‌های بین‌المللی، یکی از کارهای اساسی دشمنان ما این است که دخالت کنند، نفوذ کنند، نگذارند ایران کرسی بگیرد و عضو بشود؛ علی‌رغم این، نخبگان ما این پیروزی را به دست آوردند.

۱۸) البته اینهایی که امروز در دنیا صنعت هسته‌ای دارند، به غیر از آن تولیدکنندگان اول که مال کشور آلمان زمان هیتلرند که بعد آمریکایی‌ها از آنها گرفتند، بعضی‌های دیگر توانستند با بعضی از انواع سرقت‌های علمی از آمریکایی‌ها بگیرند، بعد آن کشور به کشور همفکر خودش داد، بعد آن کشور [به دیگری]؛ اینهایی که [دانش هسته‌ای را] دارند، این جوری پیدا کردند. ما نه، البته آن زمینه‌ی بسیار ناقص اولی از خارج بود، خیلی چیز کم‌اهمیتی بود، اما آن کاری که انجام گرفته، نخبه‌ی ایرانی انجام داده.

- بعضی از نخبه‌ها^{۱۹} در اینجا رشد میکنند، وقتی نوبت ثمردهی میرسد، میروند میوه‌شان را به دیگری میدهند؛ گاهی هم آن دیگری دشمن است، به دشمن میدهند.
- گاهی میشوند پیچ و مهره‌ی استکبار جهانی برای تصرف ملت‌ها و دشمنی با ملت‌ها، میشوند ابزار او.
- خب اینها ناشکری میکنند؛ به نظرم اینهایی که این جور پشت کنند به مردم خودشان، خیر نمی‌بینند. نخبه باید کنار مردم خودش بماند.
- نمیگویم مهاجرت نکند، درس نخواند، به فلان دانشگاه برتر یا فلان مرکز نرود؛ نه، برود اما برای مردمش برود، برود برای اینکه برگردد اینجا برای کشورش کار کند، نرود برای اینکه برای او ابزار و مهره بشود.
- نخبگان ما باید در محضر وجدان خودشان و محضر خدا این مسئله را حل کنند.

(۲) یک توقع دیگری که از نخبگان هست، این است که غفلت نکنند:

- (۱) یکی غفلت از توانایی‌های خود است. اگر شما از توانایی‌های خودتان غفلت کنید، دیگر تلاش نخواهید کرد. بعضی از نخبگان ما به یک حدی که میرسند متوقف میشوند؛ این ناشکری است، این غفلت است.
- دنبال کنید، پیش بروید، هر چه ممکن است تلاش را ادامه بدهید؛ به هر شکلی که ممکن است از توانایی خودتان که بی‌نهایت است غفلت نکنید.
 - توانایی بی‌نهایت است؛ یعنی جوری است که هر چه شما از این توانایی نخبگی استفاده کنید، این چشمه بیشتر در درون شما خواهد جوشید، نخبه‌تر خواهید شد
 - خسته نشوید، متوقف نشوید، اسیر سرگرمی‌های زیان‌بار نشوید. این یک غفلت است، حالا در فضای مجازی یا غیر مجازی؛ اسیر این سرگرمی‌ها هم نشوید.

- (۲) غفلت دیگر [غفلت از ظرفیتهای کشور] است. از رشته‌های دیگر خبر دارید؟ نخبه‌های کشور از ظرفیتهای عظیم و وسیع کشور مطلع هستند؟ من فکر نمیکنم؛ یعنی میدانم که نه، اکثر مطلع نیستند^{۲۰}.
- حتی بعضی از این ظرفیتهای را انکار میکنند، به ما میگویند که یک چیز زحمت‌دار مشکلی به نام صنعت هسته‌ای وجود دارد در کشور که بگذارید جمعش کنند ببرند، نماند. میگویند این حرف را!
 - بدروغ ادعا میشود که دنیا از صنعت هسته‌ای و از انرژی هسته‌ای روگردان شده؛ دروغ محض! روزبه‌روز دارند پایگاه‌های هسته‌ای‌شان را افزایش میدهند، ما هم احتیاج داریم.^{۲۱}

۱۹ یعنی [افراد] دارای استعداد؛ حالا با توضیحی که دادیم، شاید تعبیر «نخبه» برایشان درست نباشد.

۲۰ یک روزی، یک آقای گفتی بود که ما از لحاظ سلاح در مقابل آمریکا صفر هستیم؛ من اینجا گفتم که یک تور گردشگری بگذارید، این آقایان بروند سلاحهای نظامی ما را ببینند یکی از کارهای مهم این است. بچه‌ها را آشنا کنید با آن ظرفیتهایی که هست و کارهای فراوانی که دارد میشود. ۲۱ ما آن روزی که شروع کردیم — که حالا سالها است — اگر شروع نمیکردیم، بایستی ده سال دیگر شروع میکردیم و سی سال دیگر نتیجه میگرفتیم؛ یعنی این چیزی نیست که یک کشور بتواند از آن صرف نظر کند.

۳) یک غفلت دیگر هم **غفلت از دشمن** است. از دشمن هم نباید نخبه‌های ما غافل بشوند. دشمن گاهی به عنوان یک چهره‌ی علمی جلو می‌آید. خودشان را مؤدب جا میزنند، باهوش جا میزنند، بعد معلوم میشود که اینها کلاه ما را برمیدارند.^{۲۲}

• انتظارات از دستگاه‌ها برای نخبه

۲۰) **در یک کلمه: حمایت.** از دستگاه‌ها توقع داریم که از نخبگان حمایت کنند. این حمایت همیشه به معنای پول دادن نیست. گاهی پول دادن مضر است؛ حمایت [باید] عاقلانه، بخردانه و با توجه به جوانب گوناگون باشد.

۱) نخبه‌هایی که در خارج درس خوانده‌اند و به جایی رسیده‌اند و حالا آمده‌اند ایران — **دو توقع دارند؛** یک توقعشان **اشتغال مناسب با دانششان** است؛ یک توقعشان **امکان ادامه‌ی تحقیقات** است؛ ارتباط با مراکز علمی دنیا^{۲۳}؛ این دو توقع نخبه‌های ما است، توقع زیادی نیست.

۲) بعضی‌ها سنگ نخبه را به سینه میزنند، مرتب میگویند نخبه‌ها نخبه‌ها، اما **در عمل نخبه را مایوس میکنند**، ناامید میکنند، مانع‌تراشی میکنند.^{۲۴، ۲۵}

۳) در این زمینه هر چه خرج کنیم، این **هزینه نیست، سرمایه‌گذاری است.**

۲۱) **شاخص ارزیابی نخبه را اصلاح کنیم.** امروز شاخص ارزیابی استاد و نخبه و غیره غالباً مقالات است؛ این درست نیست. من بارها تکرار کرده‌ام این را؛ **شاخصها را حل مسئله قرار بدهید.** مسئله را ارائه بدهید، بخواهید یک مسئله‌ای را حل کند برای دستگاه‌های ذی‌ربط؛ این شاخص ارتقا باشد.

۲۲) یک نکته هم اینکه به نخبگان ما **افق روشن نشان داده بشود.** بعضی‌ها نخبه را مایوس میکنند، افق را تاریک نشان میدهند؛ این خلاف واقع است؛ باید آنها را دلگرم کرد. فضا را فضای شوق‌انگیزی برای نخبه‌ها قرار بدهند.^{۲۶}

۲۳) امروز **ناامید کردن نخبه‌ها** و بی‌آینده نشان دادن نخبه‌ها به نظر من **بخشی از جنگ نرم دشمن** است. دشمن سعی میکند در مورد نقاط ضعف ما اغراق‌گویی کند، نقاط قوت ما را بپوشاند؛ نباید به دشمن کمک کنیم.^{۲۷}

۲۲ خیلی از این مراکز علمی که دعوت میکنند، اعضای امنیتی سی‌آی‌ای و موساد و مانند اینها را به عنوان چهره‌ی علمی [نفوذ می‌دهند] می‌نشینند و ارتباطات برقرار میکنند. اگر نتوانند جذبش کنند، اگر نتوانند فریبش بدهند، حداقلش این است که ذهنش را خراب کنند.

۲۳ به نظر من در مورد ارتباط با مراکز علمی دنیا هم وزارت خارجه میتواند فعال باشد، میتواند کمک حسابی بکند.

۲۴ بنده اطلاع دارم که نخبه‌ای میخواهد در هیئت علمی دانشگاه وارد بشود، [ولی] با انواع و اقسام ترفندها جلویش را میگیرند و نمیگذارند؛ چرا؟ چرا از این نخبه استفاده نمیکنید؟

۲۵ بعضی از نخبه‌های ما بیرون درس خوانده‌اند، آمده‌اند اینجا به امیدی که بتوانند کار کنند، [اما] بر اثر همین رفتارها برگشته‌اند رفته‌اند! دیده‌اند اینجا نمیشود زندگی کرد. خب من چه توقعی بکنم از این جوان؟ باید حمایت کرد.

۲۶ هم استاد، هم مدیران آموزش عالی، هم فعالانی که در رسانه‌ها کار میکنند — چه رسانه‌ی ملی، چه مطبوعات — چه صاحبان صنایع و شرکتهای دانش‌بنیان.

۲۷ نه اینکه نقطه‌ضعف‌ها را انکار کنیم؛ نقطه‌ضعف کم هم نیست، زیاد است، اما نقاط قوت را در کنار نقاط ضعف باید دید.

• تحلیل واقع بینانه

۲۴) از اوایل انقلاب اسلامی، غربی‌ها در تبلیغاتشان این جور وانمود میکردند که نظام جمهوری اسلامی بر اثر انقلاب به وجود آمده، رو به زوال است؛ یک عده‌ای هم متأسفانه در داخل — حالا یا از روی غفلت، بعضی‌ها هم از روی بدخواهی — همین را ترویج میکردند.^{۲۸}

۲۵) آنچه به نظر من در این زمینه ما بایستی تحلیل درست کنیم، دو نظام تحلیلی وجود دارد:

۱) یک نظام تحلیلی این است که کار در مقابل هنجارهای همه‌گیر جهانی بی‌فایده است. یک هنجارهای بین‌المللی وجود دارد، دولتها بر اساس این هنجارها شکل گرفته‌اند، قدرت گرفته‌اند؛ آمریکای مقتدر و ثروتمند، اروپا همین جور؛ در مقابل این هنجارها بی‌خود نایستید؛ از بین می‌روید.^{۲۹}

۲) یک تحلیل هم تحلیل واقع بینانه است. نه فقط واقعیات خوب را، [بلکه] واقعیات بد را هم میبیند. ما هرگز نقاط منفی را انکار نکرده‌ایم. من بارها گفته‌ام ما عقیبیم؛ در این شکی نیست، اما آن طرف قضیه این است که ما از انتهای قافله، یک حرکت پرشتابی را شروع کرده‌ایم حالا به نزدیکهای جلو رسیده‌ایم؛ این یک واقعیات است.^{۳۰}

۲۶) شما نگاه کنید ببینید جمهوری اسلامی چهل سال پیش کجا بود، امروز کجا است؛ بیست سال پیش کجا بود، امروز کجا است. با گذشت چهار دهه میتوان فهمید که کدام یک از این دو تحلیل، واقع بینانه است؛ تحلیل غرب‌گراها و غربی‌ها واقع بینانه است، و ما متوهمیم؛ یا نه، تحلیل انقلاب واقع بینانه است، آنها متوهمند.

۲۷) واقع قضیه این است. حرکت انقلاب حرکت محکمی است؛ شما جوانها یکی از بزرگ‌ترین نشانه‌هایش هستید. نخبه‌های بزرگ، معتقد به انقلاب، معتقد به این راه، در حال تلاش و جدیت، بعد از گذشت چهار دهه و بعد از این همه دشمنی و بعد از این همه تبلیغات؛ دلیل بهتری از این وجود دارد برای اینکه نشان بدهد آن تحلیل، تحلیل غلطی است و تحلیل درست، تحلیل انقلاب است؟

۲۸) پروردگارا! ما را در راه خودت ثابت قدم بدار. پروردگارا! ما را با هدایت خودت و با توفیق خودت به راه راست، در حرکت کامل دریاور. پروردگارا! دشمنان ملت ایران را منکوب و مغلوب ملت ایران کن.

۲۹) والسّلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۲۸ زمان امام، یک روزنامه‌ای یک مقاله‌ی مفصلی نوشت که مضمونش این بود، نظام در حال فروپاشی است! امام آن وقت جواب دادند، گفتند: شما خودتان در حال فروپاشی هستید؛ نظام محکم و مستحکم ایستاده؛ | بعد از رحلت امام، در سال ۶۹، بعضی از چهره‌های معروف نظام و موجه یک اعلامیه‌ای دادند که نظام در لبه‌ی پرتگاه است، یعنی همین روزها است که خلاصه قضیه تمام بشود! | در سال ۸۲ یک عده از نمایندگان مجلس یک نامه‌ی واقعاً غیر منصفانه‌ای نوشتند به بنده یک سؤالهایی از ما کردند که جوابش را خودشان باید میدادند؛ چون هم مجلس دست خودشان بود، هم دولت دست خودشان بود؛ مضمون آن نامه و خلاصه‌اش این بود که باید تسلیم بشوید و آلاً کارتان تمام است! تسلیم نشدیم، ایستادیم و ان شاء الله باز هم خواهیم ایستاد. خب، این کار دشمنان ما بود که مکرراً این کار را انجام دادند.

۲۹ آن وقت آن کسانی که این تحلیل را میکنند، دیگران را متوهم تصور میکنند! میگویند اینها دچار توهمند — مثلاً بنده‌ی حقیر؛ در رأسشان خود من — [میگویند] اینها دچار توهمند خیال میکنند دارد کار پیش [می‌رود].

۳۰ هنوز به آن جلو نرسیده‌ایم اما خیلی پیش رفته‌ایم، باز هم پیش خواهیم رفت. بعضی از دولتهای ما کوتاهی‌هایی داشته‌اند؛ اینها وجود دارد اما حرکت، حرکت انقلاب است، پیشرفت انقلاب است.

قدر نخبگان را میدانم

اهمیت نخبه



نخبگان دانشگاهی ما مایه آبروی ایران شدند.



با انقلاب اسلامی زمینه برای نخبه پروری فراهم شد.



نخبه‌ی علمی و دانشگاه جزو ارکان پیشرفت کشورند. اینکه تلاش شده دانشگاه‌ها و کلاس‌ها تعطیل بشود، ناشی از این است.



اگر سطح علم کشور را بالا بیاورید، در مقابل سلطه‌ی دشمن یک مانع ایجاد کردید.



نخبه یکی از مهم‌ترین ثروت‌های انسانی کشور است.

انتظار از نخبگان

از توانایی خودتان، ظرفیت‌های کشور و از دشمن غفلت نکنید.



نخبه باید کنار مردم خودش بماند.



ظرفیت شخصی نخبگی را تبدیل کنید به ظرفیت ملی و حل مسائل کشور.



انتظارات از دستگاه‌ها برای حمایت از نخبگان

امکان ادامه‌ی تحقیقات و ارتباط با مراکز علمی دنیا

۲

اشتغال مناسب با دانش خود

۱

توقع نخبه



دستگاه‌ها از نخبگان حمایت کنند، حمایت عاقلانه.



لزوم تصحیح افق دید و مقابله با ناامیدی

از اوایل انقلاب، غربی‌ها وانمود میکردند که انقلاب رو به زوال است.



امروز ناامید کردن نخبه‌ها بخشی از جنگ نرم دشمن است.



یک تحلیل هم، واقع‌بینانه است. واقعیت خوب و بد را می‌بیند.

۲

کار در مقابل هنجارهای همه‌گیر جهانی بی‌فایده است.

۱

دو نظام تحلیلی



تحلیل درست، تحلیل انقلاب است.



شما جوان‌هایی از بزرگترین نشانه‌های حرکت انقلاب هستید.



در مسائل گوناگون کشور ما پیشرفت کردیم.

